هُوَ
۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

سلوک یعنی راه رفتن، سالک یعنی راهرو یعنی راه می‌رود. این خیلی ساده است، یک مقداری دستوراتی که هست اگر رفتار کنیم، هم آداب زندگی و جامعه در آن نهفته است و هم آماده می‌شویم برای تکامل معنوی ولی اصل این نیست. اصل عبارت از این است که اگر از خودمان ناراضی هستیم یا ناراضی هم نیستیم ولی نمی‌دانیم چه بکنیم؟ می‌خواهیم یک انسان جدیدی از خودمان بسازیم. اینکه خیلی‌ها می‌نویسند: نمی‌دانم برای چه آمدیم؟ چه شده؟ چطوری ما هیچی نمی‌فهمیم؟ چیزی می‌فهمید. برای اینکه تا حالا چیزهایی که فهمیدید، فکر می‌کنید به درد نمی‌خورد. به درد هم نمی‌خورد و چیزهایی که به دردتان می‌خورد، نفهمیدید، نمی‌دانید. این است که نگاه می‌کنید می‌گویید: من هیچی نفهمیدم، نه! هر چه هم فهمیده باشید چون بنده‌اید و به‌هرجهت به سوی خدا دارید می‌روید، چه بنده‌ی خوبی، چه بدی باشید، خدا هم می‌گوید: یا أَیهَا الْإِنْسانُ (به انسان خطاب می‌کند، چه انسان خوب و چه انسان بد) إِنَّكَ كادِحٌ إِلى رَبِّكَ كَدْحاً فَمُلاقيهِ (سوره انشقاق، آیه ۶) ای انسان تو به سوی خدا لنگ‌لنگان، با سختی داری می‌روی، بالاخره به ملاقات او می‌رسی، حالا چه خوب و چه بد. چه ملاقات با غضب و شمشیر باشد و چه با مهربانی ولی اصل در این است که با مهربانی باشد. به‌قول یکی از عرفا، شیخ ابوسعید ابوالخیر است یک رباعی هم دارد که خداوند خیرِ مطلق است یعنی هر کاری می‌کند از روی خیر است اگر طبیبِ علاقه‌مند، دوای تلخی به مریض می‌دهد با او بد نیست، می‌خواهد شفا پیدا کند. خداوند به این حساب خیرِ مطلق است. لایَصْدرمِنَ الْخَیْرِ اِلّاالْخَیْر، از منشأِ خیر هم جز خیر صادر نمی‌شود.

سرنوشت ما به دست خود نوشت خوش‌نویس است او نخواهد بد نوشت

خوش‌نویس است ولی معذلک به‌قول یکی می‌گوید: بعد خداوند همه را می‌برد به بهشت. اگر هم جهنّمی آفریده جهنّم فقط برای این است که دوستانش را بترساند که بگوید نروید اینجا! حالا کار نداریم. این حرف‌ها برای ایجاد امید است ولی ایجاد امید هم آنقدر نباید باشد که اساس کار را، اساس زندگی‌مان را مختل کند و به هم بریزد. به‌هرجهت در این راه که ما می‌رویم سنگ‌ها هست، سنگلاخ‌ها هست که باز در یک راه یا جای دیگری همین راه را تعریف می‌کند، می‌گوید: أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَینَینِ وَلِساناً وَ شَفَتَینِ وَ هَدَیناهُ النَّجْدَینِ فَلاَ اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَ ما أَدْراكَ مَا الْعَقَبَةُ (سوره بلد، آیات ۱۲-۸) می‌گوید همین شما را گوش و چشم و اینها دادیم، دو تا راه هم نشان دادیم، آن کسی که کارش بد است، می‌گوید خودت انتخاب کردی. خودت راه را انتخاب کردی، عقبه را نمی‌دانستی چیست؟

عقبه یعنی بعد، نتیجه‌اش ولی در اینجا مخصوص، عقبه آن سنگلاخ‌هایی است که در راه هست. می‌گوید: تو از کجا می‌دانی عقبه چه خواهد بود؟ عقبه سنگلاخ‌ها و اینهاست. با همه‌ی اینها اینقدر کرم خداوند زیاد است که در آخرین لحظه اگر شخصی توبه کند، همه‌ی آن گذشته‌اش را رها می‌کند. البتّه بعضی‌ها می‌گویند آن گذشته‌اش را از بین نمی‌برد برای اینکه خودش هم گفته هر چه خوبی، بدی، یک ذرّه‌ای خوبی داشته باشید، می‌بینید. ذرّه‌ای بدی کرده باشید، می‌بینید. «می‌بینی» یعنی هم مجازاتش را می‌بینی و هم اینکه می‌بینی. بعضی‌ها می‌گویند خداوند آنها را نگه‌می‌دارد برای اینکه هر چند وقتی نشانِ آدمها بدهد. نشان بدهد که تو اینطوری بودی، همه را من بخشیدم. نمونه‌اش را در زندگی خودمان می‌بینیم. تمامِ به‌اصطلاح گوشه کنارهای زندگی ما، پیچ و خم‌های زندگی ما، یک تصویری است، یک عکسی است از آنچه که خدا در راه ما گذاشته. در این دوربین‌های عکاسیِ قدیم می‌دیدیم که تصویرِ آنچه در قالب است منعکس می‌شود و در اینجا می‌بینیم.

حالا ما آن عالم حقیقی یعنی عالمی که بعد از این عقبه و بعد از این خواهیم داشت، تصویری از آن در اینجا دیده می‌شود. مثلاً تابستان می‌خواهید استخرِ آب سرد بروید، استخر معمولی. اوّل یک‌خرده آدم تردید می‌کند که سرد است، دستش را می‌گذارد، پایش را می‌گذارد می‌بیند سرد است، بعد یک‌مرتبه تصمیم می‌گیرد می‌پرد در آب، هیچ طوری هم نمی‌شود، خیلی هم خوب می‌شود. از به‌قولی گناهان و گذشته و این وضعی که الان دارید، نترسید نگران هم نباشید. یک‌مرتبه بپرید، نه اینکه بپرید آن دنیا، در همین دنیا هستید می‌پرید آن‌طرف، همه‌ی آنها را ندیده می‌گیرید.

گاهی اوقات می‌شود انسان یکی از چیزهای گذشته را بررسی می‌کند، می‌بیند چقدر کوتاهی کرده که در آن وسط گیر کرده. البتّه این از این جهت خوب است که علامت تکاملی است در شما که عیبِ گذشته‌ی خودتان را می‌بینید منتها به شرط اینکه نه وجودِ آن عیب را به رسمیت بشناسید که بعد از این همیشه آنطوری باشید بلکه برای اینکه دیگر آنطور نباشید. در همه‌ی حالات زندگی، همه‌ی چیزها هم همینطور است. در هر کاری، در هر چیزی روشی است در هر قدمِ سلوک که آن جنبه‌ی فکر و معنویِ آن، مقدّم است. «مقدّم است» یعنی باید فکر اصلاح بشود و آن فکر هم از خلقت‌های عجیب خداوند است. حالا به‌قول امروز بگوییم: طبیعت. فرق نمی‌کند، طبیعت هم یک اسمی است که همان چیزی که می‌گویند خداست، منتها اینها اسمش را طبیعت گذاشتند. طبیعت البتّه مجموعه‌ی یک حالاتی است، بعضی از این کارتون‌ها هست، مثلاً کارتون موش و گربه عجیب است من از هر چه شما فکر کنید، یک پندی برای خودم گرفتم. خداوند هم یک چنین چیزی برای ما آفریده، برای امتحان بشر، برای بازی بشر. اگر درست توجّه کنید یعنی همه چیز را از خدا ببینیم، این هم خدا آفریده. ما موشی نباشیم که در این چیزها گیر کنیم. در مقابلِ شیطان، خداوند با آن همه قدرت که او را آفریده، بعد هم به ما گفته اجازه می‌دهیم که تا قیامت زنده باشد. در مقابلِ آن شیطان، به شما گفته. وقتی گفته به من تواضع کنید، بندگی کنید، او را جدا کرده، گفته: یک‌وقت اشتباه نکنید بندگیِ او را انجام بدهید. بندگی خودش را انجام می‌دهید، وقتی بندگی ارباب را انجام دادید،

به مخلوقاتش تسلّط دارید.

پیغمبر از قول خودش بنا به امر الهی در قرآن می‌گوید: أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ (سوره کهف، آیه ۱۱۰/ سوره فصّلت، آیه ۶) من هم بشری هستم به‌خصوص تأکید کرده: بشری مثل شما. یک جای دیگر می‌گوید که: شَيْطَانِي اَسْلَم بِيَدی، شیطان من به دست من تسلیم شد. ما هم که بشریم، مثل پیغمبریم. در بشریّت مثل پیغمبریم. در آن عالم که شیطان کاری ندارد، قدرتی ندارد، شیطان می‌آید در عالمی که ما را چطوری گول می‌زند. ما که او را نمی‌بینیم که شیطان یک مجسّمه باشد. البتّه شیاطین از جن و انس می‌گویند. می‌گویند بعضی از انس‌ها یعنی غیر از جن، انس که مردم باشند هم، شیطان است. شیطنت می‌کنند ولی غیر از آن اصلِ شیطان، آن روح شیطانی که در آنها هم هست، این روح که پیغمبر را گول نمی‌زند، نمی‌تواند گول بزند. هم‌جنس هم هستند، هر دو از عوالم معنویّتی هستند. شیطان که گول می‌زند، گول زدن در رفتار انسانیِ انسان است، نه در رفتار شیطانی. شیطان افکار انسانی‌اش را ممکن است منحرف کند ولی این شَيْطَانِي اَسْلَم بِيَدی این باید هدف شما باشد، هدف ما باشد که شیطانی داریم. شیطان ما تسلیم ما باشد.

در راه هم قدم که بردارید، مسافت این نیست که متر بکنیم، بگوییم یک کیلومتر، دو کیلومتر، مبدأ و مقصد همه‌اش یکی است. اگر بتوانید این قدرت را در یک جا نشان بدهید، فکرتان عادت می‌کند می‌توانید کم‌کم بر همه‌ی کارهای‌تان مسلّط باشید. این فکرِ صحیح است. بنابراین از زندگی‌تان و از آنچه خودتان می‌گویید هیچی نفهمیدیم، نگران نباشید. همان‌قدری که هستید، همان جایی که هستید بخواهید، تصمیم بگیرید، از خدا بخواهید که یک قدم جلو بروید و بهتر باشید، همین کافی است. اگر واقعاً از خداوند بخواهید، خداوند همانوقت یک مقداری از نتیجه را به شما می‌دهد و آنقدر هم بی‌اعتناء از آن‌طرف نباشید. امید به خداوند که دارید، امید به خداوند را تبدیل به عصیان نکنید. قرآن می‌گوید: ما غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (سوره انفطار، آیه ۶) در روز قیامت به یکی می‌گویند: چه شد که تو اینقدر گول خوردی؟ به کرم خداوند مطمئن شدی که گول خوردی؟ ما غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ. البتّه می‌گویند بعضی‌ها جوابش دادند: به همان کرم خودت. خودت گفتی رَبِّكَ الْكَرِيمِ به همان کرم تو چون گفتی.

یک استادی در دانشگاه داشتیم، استاد من نبود، با ما آشنا بود دوست بودیم، همه هم اسمش را شنیدید فروزانفر، ادیب و دانشمند بود البتّه با ما خیلی بد بود ولی به‌هرجهت دانشمند بود. رشته‌ی ادبیات دکترا درس می‌داد، یک شاگردی را رد کرده بود بعد شاگرد آمده بود از این بپرسد با اعتراض که چرا من را رد کردی؟ می‌دانید که لغت مُجوّز در فارسی خیلی متداول هم هست یعنی دلیل. آمد به استاد گفت: استاد! شما به چه مَجُوزی من را رد کردی؟ استاد ادبیات! گفت: به همین مَجُوزی که می‌فرمایید یعنی تو که اینقدر در ادبی بلد نیستی مَجوز چیست، مُجَوِّز چیست.

حالا خداوند خودش به ما یاد می‌دهد: ما غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ولی معذلک این کار را بکنید و این امید را داشته باشید و هر چه گفته است تا هر حدّی که می‌توانید، انجام بدهید، ان‌شاءالله. (برگرفته از

گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه، ۱۳۹۴/۲/۲۳)

*****

انسان یعنی آن گوهری که خداوند بر او اسمِ انسان گذاشته، سپرده به این بدن که ما حالا اصطلاحاً می‌گوییم روح و جسم. البتّه آن برای جسم، روح تلقّی می‌شود. آن روحی که خداوند دمیده ولی خودش وجود اصلی است و اساس خلقت انسان یعنی خلیفه‌ی الهی این انسان، آن روحی است که خداوند دمیده. منتها مثل مرغی که در قفس است و بعد این قفس را می‌سپرند به یک نفر که آب و دانه بدهد و مراقب باشد، بعد این نفر گاهی فراموش می‌کند، گاهی حواسش جاهای دیگر می‌رود، مدّتی این را معطّل می‌کند ولی «لیک داند آنکه او را منظر است» که اصل حیات انسانی، همان حیات معنوی است و روح انسانیِ انسان تا سپرده به دستِ این جسم هست، هزاران بند و بست، غل و زنجیر دارد. ظلمات ثلاث که در قرآن گفته، بعد از به‌دنیا آمدن و اینها، هرکدام یکی از بندها و زنجیرهای انسان بر ما آشکار می‌شود.

فرض کنید مثلاً دارید کتابی می‌خوانید یا دارید یک مناجاتی می‌کنید یک‌مرتبه یک زنبور پایتان را می‌زند، رها می‌کنید می‌پرید. آن روح انسان مادامی که در اختیار این بدن است، هر چه آن بدن گفت انجام می‌دهد یعنی ناچار است. حتّی در اینجا تابعِ آن قانون طبیعیِ طبیعت است وَ مَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ (سوره یس، آیه ۶۸) خدا می‌گوید: کسی را که به او سِنّی دادیم، یک کمی رکود در حیاتش، رکودی در زندگی‌اش (نه این زندگی‌ای که ما می‌گوییم، معمولی) یعنی در حیات بدنی‌اش پیدا می‌شود.

این است که آن بدن، تاب مقاومت در برابر این را ندارد. وقتی آن تاب را ندارد، روح هم اطاعت می‌کند. حالا فعلاً الحمدلله آن اساس که قرارِ روح باشد، هست. در خدمتتان هستیم، ان‌شاءالله.

(برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح پنج‌شنبه، ۱۳۹۴/۲/۳۱)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجّاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید.